اتاق عمل ریال در میرداماد؛ حذف صفرها کلید می‌خورد؛

سقوط اسمی دلار به کمتر از ۱۰۰ تومان؟!

■ ریال ایران بالاخره سبک می‌شود. با اعلام رسمی رئیس کل بانک مرکزی، حذف چهار صفر از پول ملی پس از سه دهه بحث و انتظار، امسال اجرایی می‌شود. تصمیمی که اگرچه تأثیری بر قدرت خرید ندارد، اما می‌تواند چهره پول ملی را از پایه بازآرایی کند.

گروه اقتصادی – پس از سال‌ها بحث و بلاتکلیفی، به‌نظر می‌رسد پروژه حذف چهار صفر از پول ملی بالاخره وارد فاز اجرایی شده است. اظهارات صریح رئیس کل بانک مرکزی، نشان می‌دهد که این‌بار، عزم سیاست‌گذاران پولی کشور برای انجام این اصلاح مهم، جدی‌تر از همیشه است.

محمدرضا فرزین در همایش سیاست‌های پولی و ارزی گفت: «امسال، حتما حذف صفرها از ریال را دنبال می‌کنیم. این تصویری که از ریال ایران وجود دارد، تصویر صحیحی نیست و باید حذف صفر انجام شود. این تجربه در ۶۰ تا ۷۰ کشور دنیا هست و بسیاری از کشورهای اروپایی نظیر ترکیه، آلمان، روسیه، حذف صفر را در دورانی انجام دادند. اگر در موقع مناسبی اجرا شود، سیاست خوبی است. ضمن اینکه می‌تواند آرایش جدیدی از ریال را نشان دهد و به نظرم یک سیاست ضروری است و حتما باید دنبال کنیم.»

حذف صفرها از ریال پس از ۳۲ سال؟

این نخستین‌بار نیست که بحث حذف صفرها در فضای عمومی و رسمی کشور مطرح می‌شود، اما به‌نظر می‌رسد برای نخستین‌بار، عزم نهاد پولی کشور برای اجرای آن به مرحله عمل نزدیک شده است. پیش‌تر در روزهای آغازین سال جاری، «تابناک» در گزارشی از افزایش نشانه‌های تغییر واحد پول ملی در سال ۱۴۰۴ خبر داده بود. موضوعی که حالا با اظهارات رسمی رئیس کل بانک مرکزی، وارد مرحله تازه‌ای شده است. طرح حذف صفرها سابقه‌ای طولانی دارد، اولین بار حدود ۳۲ سال پیش مطرح شد و در دولت‌های مختلف، از احمدی‌نژاد تا روحانی، بارها روی میز بررسی قرار گرفت، اما هر بار یا به حاشیه رفت یا متوقف شد. در سال ۱۳۹۷ انتشار ایران‌چک‌هایی با صفرهای کم‌رنگ، شایعاتی درباره اجرای قریب‌الوقوع این طرح به راه انداخت، اما تصمیم‌گیری نهایی در کشمکش میان دولت و مجلس گم شد.

در مرداد ۱۳۹۸، دولت روحانی لایحه‌ای برای تغییر واحد پول از ریال به تومان و حذف چهار صفر را تصویب کرد. این لایحه حتی کمتر از یک‌سال بعد در مجلس نیز به تصویب رسید، اما ایرادهای شورای نگهبان مانع از اجرای آن شد. پس از تغییر دولت در سال ۱۴۰۰، طرح به‌طور کامل بایگانی شد، تا اینکه در ماه‌های اخیر، بار دیگر موضوع حذف صفرها از پول ملی در فضای رسانه‌ای و تصمیم‌سازی کشور مطرح شد.

تا جایی که شهرام دبیری، معاون وقت پارلمانی رئیس جمهور در این باره گفت: دولت فعلی لایحه جدیدی برای این موضوع ارائه نکرده و همان لایحه قبلی در دستور کار کمیسیون اقتصادی مجلس قرار دارد.

تومان، واحد پولی می شود

در آن لایحه تصریح شده بود که واحد پول ملی، تومان است و هر تومان معادل ۱۰ هزار ریال و برابر با ۱۰۰ پارسه است. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد اسکناس‌های جدید ۲ میلیون ریالی که چند وقتی است توسط بانک مرکزی عرضه شده‌اند نیز با چنین محاسباتی چاپ شده و در آینده‌ای نه‌چندان دور، همان اسکناس‌های ۲۰۰ تومانی خواهند بود.

بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که حذف صفرها در شرایط تحریمی اقتصاد ایران، اثر مستقیمی بر قدرت خرید مردم ندارد، اما مزایایی، چون ساده‌سازی مبادلات، کاهش هزینه‌های چاپ اسکناس و بهبود شفافیت حسابداری را به همراه دارد. با این حال، چالش‌هایی همچون هزینه‌های تغییر نرم‌افزارها، جایگزینی اسکناس‌ها و احتمال گرد شدن قیمت‌ها به سمت بالا نیز مطرح است.

همان‌طور که رئیس کل بانک مرکزی گفته است، ایران تنها کشوری نیست که به فکر این اصلاح پولی افتاده است. از دهه ۱۹۶۰ تاکنون، حدود ۷۰ کشور این مسیر را پیموده‌اند؛ از جمله برزیل، یوگسلاوی و آرژانتین که چندین بار صفرهای پول ملی خود را حذف کرده‌اند.

سقوط دلار به محدوده دو رقمی با حذف صفرها؟

بنابراین، با توجه به سخنان رئیس کل بانک مرکزی، به‌نظر می‌رسد دولت و مجلس در سال جاری به‌طور جدی در مسیر اجرای این طرح قدم برداشته‌اند. در صورت تحقق این لایحه، نرخ دلار آزاد که این روزها در کانال ۸۰۰ هزار ریال در نوسان است، با حذف چهار صفر وارد کانال ۸۰ تومانی می‌شود. یا به عنوان مثالی دیگر، خودروهای ۱۰ میلیارد ریالی امروز نیز در آینده با قیمت یک میلیون تومان محاسبه می‌شوند؛ تصویری متفاوت از پول ملی که احتمالا در سال جاری واقعیت می‌یابد.

گروه اقتصادی – دولت باید از مزیت نسبی ارزان بودن انرژی در ایران برای توسعه کشور استفاده کند، نه آنکه مردم خود را مجبور به پرداخت هزینه ای معادل انرژی در سایر نقاط دنیا کند.

تاکنون آمارها و ارقام متفاوتی از زیان وارده بر اقتصاد کشور در نتیجه قطعی های مکرر برق ارائه شده است. برخی برآوردها حاکی از آن است که خاموشی های گسترده برق در کشور بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ برابر هزینه برق تولیدی به اقتصاد کشور خسارت وارد می کند. روزنامه اعتماد نیز در گزارشی در آذر ۱۴۰۳ نوشته بود که قطعی برق سالانه ۲۵ میلیارد دلار خسارت به اقتصاد کشور وارد می کند. اگرچه این آمار و ارقام متفاوت است، اما آنچه مشخص است قطعی های مکرر برق بر اقتصاد و توسعه کشور و روح و روان مردم تاثیر نامطلوبی دارد.

در این میان برخی افراد راه حل این مشکل را آزادسازی قیمت برق عنوان می کنند، هم برای آنکه مصرف در طرف تقاضا کاهش یابد و هم اینکه سرمایه گذاری در طرف تولید تشویق شود. پیشتر و در یادداشت قبلی به اشتباه بودن این راه حل اشاره شد. مشکل ناترازی برق در ایران به این دلیل است که صنعت برق کشور قدیمی و فرسوده است و بازدهی پایینی دارد و نوسازی آن و استفاده از نیروگاههای جدید در تولید برق نیازمند سرمایه گذاری است.

طبق برنامه هفتم توسعه، حداکثر توان تولید برق در زمان اوج بار در سال پایانی برنامه باید به ۸۷ هزار و ۱۴۰ مگاوات افزایش یابد. قاعدتا تحقق این هدف نیازمند سرمایه گذاری های کلان در بخش انرژی است. همانطور که طرفداران آزادسازی قیمت ها می گویند بخش خصوصی به دلیل ارزان بودن برق و به صرفه نبودن سرمایه گذاری در چنین صنعتی، حاضر به ورود به این وادی نیست، اما این امر نافی مسئولیت دولت برای سرمایه گذاری در این بخش نیست.

زیان های قطعی برق

وقتی دولت مهم ترین منابع انرژی ایران (نفت و گاز) را در اختیار کامل خود دارد، انتظار بی جایی نیست که در توسعه صنعت برق کشور نیز بیشترین نقش و سهم را داشته باشد. از این منظر باید گفت حل مشکل ناترازی برق در ایران و بلکه بسیاری از مشکلات اقتصادی نه از طریق آزادسازی قیمت ها، بلکه با آزادسازی اقتصاد انجام می گیرد؛ به این معنا که تدبیری صورت گیرد تا غل و زنجیرهایی که در طول سالیان دراز بر دست و پای اقتصاد ایران بسته شده است، باز شود.

عمده این غل و زنجیرها مربوط به تحریم های بین المللی است که باعث منزوی شدن اقتصاد ایران از اقتصاد بین الملل و زنجیره ارزش جهانی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی شده است.

صنعت برق ایران نیازمند سرمایه گذاری است و دولت برای این کار نیازمند پول است. با وجود تحریم ها دست دولت خالی است و به همین دلیل برخی افراد چاره را در گران کردن برق برای به صرفه کردن سرمایه گذاری بخش خصوصی می بینند. به عبارت دیگر به جای آنکه مسئله را حل کنند، صورت مسئله را پاک می کنند. اینکه انرژی در ایران ارزان است، یک امر طبیعی است چرا که ایران دارای بزرگ ترین منابع نفت و گاز جهان (در مجموع) است.

اینکه نیروی کار نیز در چین یا هند ارزان است، یک امر طبیعی است چون بزرگ ترین جمعیت های دنیا را دارا هستند. به همین طریق اینکه مثلا موز در هند، چین، اندونزی، برزیل و اکوادور ارزان است یک امر طبیعی است چون این کشورها به دلیل شرایط اقلیمی بزرگ ترین تولید کننده های موز در جهان هستند.

حالا به طور مثال آیا صحیح است که دولت هند از فردا قانون بگذارد که قیمت موز در این کشور باید برابر با میانگین قیمت جهانی این میوه باشد؟ (در اینجا هدف مقایسه موز با نفت و گاز نیست چرا که اولی تجدیدپذیر است و دومی نیست. هدف تبیین موضوع مزیت نسبی در کشورهاست) همانقدر که این قانون اشتباه و بلکه مسخره می نماید، تلاش دولت ها در ایران برای افزایش قیمت انرژی نیز اشتباه است.

اینکه دولت ها قادر نیستند مانع از قاچاق انرژی در ایران شوند، یا قادر به مدیریت انرژی از طریق ایجاد نیروگاههای جدید تجدیدپذیر و نوسازی نیروگاهها و تجهیزات قدیمی نیستند، دلیلی بر لزوم همسان سازی قیمت انرژی با سایر کشورهای دنیا نیست.

اشتباه نکنید! کسی موافق اسراف و مصرف بی‌رویه نیست، بلکه در اینجا صرفا مبنای این استدلال غلط برای افزایش قیمت انرژی در ایران توضیح داده می شود. دولت باید از مزیت نسبی ارزان بودن انرژی در ایران برای توسعه کشور استفاده کند، نه آنکه مردم خود را مجبور به پرداخت هزینه ای معادل انرژی در سایر نقاط دنیا کند.

البته استفاده عادلانه از یارانه انرژی بحث دیگری است و دولت می تواند با راه حل هایی مانند واقعی کردن قیمت انرژی و در عوض بازگرداندن یارانه به افرادی که مصرف کمتری دارند هم مشکل پایین بودن قیمت انرژی در ایران را تا حدودی رفع نماید و هم عدالت را میان مردم جاری سازد که این موضوع بحث جداگانه ای می طلبد.

با این حال همانطور که گفته شد راه حل ریشه‌ای مشکل ناترازی برق (اقتصاد) ایران، پیوستن به اقتصاد جهانی از طریق رفع تحریم هاست که نیازمند تحول در سیاست خارجی کشور است.

۶ میلیارد دلار تامین ارز در ۵۰ روز؛

دلارهای ۲۸۵۰۰ تومانی کجا رفت؟

گروه اقتصادی– در حالی که بانک مرکزی در کمتر از دو ماه نخست سال، ۶ میلیارد دلار ارز برای واردات کالاهای اساسی، دارو و بخش‌های مختلف صنعتی تأمین کرده، شکاف میان نرخ رسمی تخصیص‌یافته و قیمت‌های بازار، بار دیگر پای نهادهای نظارتی را به میان کشیده و پرسش‌هایی درباره اثربخشی این سیاست ارزی در کنترل قیمت‌ها مطرح کرده است.

بررسی عملکرد بانک مرکزی در حوزه تأمین و تخصیص ارز از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا ۲۱ اردیبهشت‌ماه نشان می‌دهد که مجموعاً ۶ میلیارد دلار ارز برای واردات و تأمین نیازهای خدماتی کشور اختصاص یافته است.

بر پایه آمارهای رسمی منتشر شده، این میزان ارز در سه بخش اصلی شامل کالاهای اساسی، کالاهای تجاری و خدماتی تأمین شده است.

در بخش کالاهای اساسی، یک میلیارد و ۷۵۲ میلیون دلار ارز با نرخ ثابت ۲۸۵۰۰ تومان به ازای هر دلار تخصیص یافته که از این رقم، ۲۹۰ میلیون دلار برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی و یک میلیارد و ۴۶۲ میلیون دلار برای تأمین سایر اقلام اساسی و کشاورزی اختصاص داده شده است.

طبق اعلام بانک مرکزی، هدف از تخصیص این ارز ترجیحی، حمایت از مصرف‌کنندگان و تسهیل دسترسی جامعه به کالاهای ضروری با قیمت مناسب‌تر بوده است. با این حال، بررسی بازار و بازخوردهای مردمی نشان می‌دهد که بسیاری از کالاهای مشمول این سیاست ارزی، با قیمت‌هایی به مراتب بالاتر از نرخ مورد انتظار عرضه می‌شوند. این مسئله سبب نارضایتی عمومی شده و لزوم ورود جدی نهادهای نظارتی، از جمله سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، را دوچندان کرده است.

از سوی دیگر، آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد که در همین بازه زمانی، بالغ بر ۴ میلیارد و ۵۱ میلیون دلار نیز به تأمین ارز مورد نیاز واردات کالاهای تجاری و صنعتی اختصاص یافته است.

در میان این گروه‌ها، صنایع حمل‌ونقل و خودروسازی با دریافت ۹۱۷ میلیون دلار در صدر قرار دارند. پس از آن، صنایع تجهیزات برق و الکترونیک با ۷۲۳ میلیون دلار، ماشین‌آلات و تجهیزات تولید با ۴۵۰ میلیون دلار، صنایع شیمیایی و پلیمری با ۴۱۲ میلیون دلار، صنایع معدنی با ۲۱۳ میلیون دلار، منسوجات و پوشاک با ۹۴ میلیون دلار و سایر صنایع با رقمی بالغ بر یک میلیارد و ۲۴۲ میلیون دلار از منابع ارزی تأمین شده‌اند.

نرخ ارز بازار تجاری که مبنای محاسبه این تخصیص‌ها قرار می‌گیرد، در سامانه حواله مرکز مبادله به شرح زیر بوده است: دلار ۶۹ هزار و ۴۹۷ تومان، یورو ۷۷ هزار و ۶۷۱ تومان و درهم امارات ۱۸ هزار و ۹۲۳ تومان.

گزارش عملکرد بانک مرکزی در این مدت، تصویری کلی از جهت‌گیری ارزی کشور را ارائه می‌دهد؛ اما در عین حال، میزان اثربخشی این سیاست‌های ارزی در کنترل قیمت‌ها و تأمین نیاز واقعی بازار، همچنان محل سوال و نیازمند ارزیابی‌های دقیق‌تری از سوی نهادهای مسئول است.

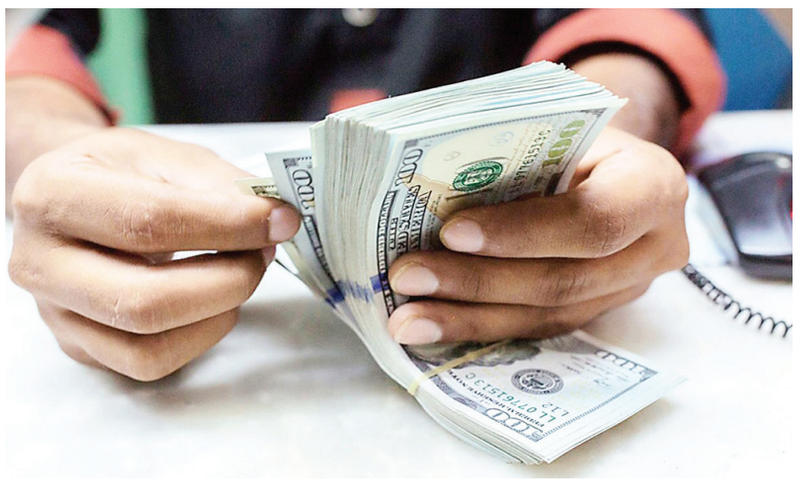

بحران در بازار مسکن؛ مستاجران در تنگنای قدرت مالی اجاره و خرید!

گروه اقتصادی– رشد بی‌سابقه قیمت مسکن و اجاره‌بها در سال‌های اخیر، مستاجران را در تنگنای معیشتی قرار داده و تامین مسکن در ایران را برای اقشار متوسط و ضعیف به بحرانی جدی تبدیل کرده است.

بازار مسکن ایران طی سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی مواجه بوده که به تشدید بحران در حوزه تأمین مسکن و سخت‌تر شدن شرایط زندگی برای مستأجران منجر شده است. افزایش سرسام‌آور قیمت مسکن در کنار رشد بی‌ضابطه اجاره‌بها، قدرت خرید و توان اجاره‌نشینی را برای خانوارهای متوسط و کم‌درآمد به‌شدت کاهش داده و بخش قابل توجهی از جمعیت شهری را در معرض تهدید سکونت در مناطق کم‌برخوردار قرار داده است.

۲۴۰۰ درصد رشد قیمت مسکن تهران در ۸ سال

از سوی دیگر طبق گفته رئیس اتحادیه مشاوران املاک، در ۸ سال گذشته، قیمت مسکن در تهران بیش از ۱۸۰۰ درصد افزایش داشته و در اردیبهشت ۱۳۹۶، قیمت هر متر خانه ۴.۵ میلیون تومان بود، اما طبق آخرین آمار رسمی، این رقم به ۸۸.۵ میلیون تومان رسیده است.

قیمت مسکن در تهران به ۱۱۴ میلیون تومان رسید

همچنین کارشناسان بازار مسکن می‌گویند: برخی برآوردهای غیررسمی نشان می‌دهد که هم‌اکنون قیمت مسکن در تهران به ۱۱۴ میلیون تومان در هر متر مربع رسیده است، به‌عبارت دیگر اگر این عدد درست باشد یعنی قیمت مسکن در پایتخت طی ۸ سال گذشته ۲۴۰۰ درصد افزایش داشته است.

نکته قابل توجه اینجاست که وام‌های بانکی فعلی هیچ کمکی به خانه‌دار شدن زوجین خانه‌اولی نمی‌کنند و تسهیلاتی مثل اوراق تسه نمی‌تواند مسکن مورد نیاز را تأمین کنند، البته فعالان صنعت ساختمان معتقدند که نبود سیاست‌های کارآمد در کنترل سوداگری، کاهش عرضه واقعی مسکن، افزایش هزینه ساخت و همچنین رشد تقاضای سرمایه‌ای به جای مصرفی را از دلایل اصلی جهش قیمت‌ها عنوان می‌شوند.

اجاره‌بها در مسیر صعودی؛ مستأجران زیر فشار رکود تورمی

در کنار افزایش قیمت خرید مسکن، بازار اجاره نیز با رشد فزاینده‌ای مواجه شده است. بر اساس آخرین اطلاعاتی که مرکز آمار در سال ۱۴۰۲ منتشر کرده، ۶۹ درصد خانوارهای شهری مالک هستند، ۲۳ درصد مستاجرند و ۸ درصد در سایر انواع مسکن سکونت دارند.

این افزایش در حالی رخ داده که نرخ رشد دستمزدها و درآمد خانوار به‌مراتب کمتر از این ارقام بوده و شکاف میان درآمد و هزینه مسکن به بیشترین سطح خود طی دو دهه گذشته رسیده است. بر همین اساس بسیاری از مستأجران به ناچار به حاشیه شهرها کوچ کرده‌اند.

دولت‌های مختلف در سال‌های گذشته طرح‌هایی مانند «مسکن مهر»، «طرح اقدام ملی» و «نهضت ملی مسکن» را با هدف تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد اجرا کرده‌اند، اما کارشناسان معتقدند بسیاری از این طرح‌ها به‌دلیل ضعف در تأمین مالی، ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، کندی در اجرای پروژه‌ها و عدم تطابق با نیاز واقعی بازار، نتوانسته‌اند تأثیر قابل توجهی در کاهش بحران داشته باشند.

تقاضای تسهیل گری در بازار و باز تعریف سیاست‌های حمایتی

کارشناسان حوزه اقتصاد مسکن تأکید دارند که برای خروج از بحران فعلی، دولت باید با رویکردی چندوجهی وارد عمل شود. اصلاح نظام مالیاتی و اخذ مالیات مؤثر از خانه‌های خالی، کاهش هزینه ساخت و تسهیل صدور مجوزها، حمایت از تولید مسکن استیجاری و باز تعریف سیاست‌های حمایتی از مستأجران از جمله راهکارهایی است که به گفته تحلیلگران می‌تواند در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به تعادل بازار کمک کند.

علیرضا سرحدی کارشناس بازار مسکن با بیان اینکه وام خرید مسکن به دلیل اقساط بالایی که دارد، مورد استقبال مردم قرار نگرفته است، اظهار کرد: مردم توان پرداخت این اقساط را ندارند و در نتیجه چنین وام‌هایی بلااستفاده مانده‌اند. این وام‌ها معنی‌دار نیستند و فقط هزینه خرید ۱۰ یا ۲۰ متر از یک واحد مسکونی را پوشش می‌دهند، بنابراین استفاده مؤثری از آن‌ها نمی‌شود.

وی افزود: اگر این وام‌ها افزایش یابد، اقساط آن غیرقابل پرداخت خواهد شد. فردی که نهایتاً ماهی ۳۰ تا ۳۵ میلیون تومان درآمد دارد، چطور می‌تواند ماهی ۲۰ میلیون تومان قسط پرداخت کند؟، بنابراین این وام‌ها نه در مبلغ موثرند و نه در بازپرداخت قابل مدیریت. البته بانک‌ها هم تمایلی به پرداخت چنین تسهیلاتی ندارند. اگر بخواهند سود را پایین بیاورند، سپرده‌گذاران زیان می‌بینند. از طرف دیگر، اگر سود را افزایش دهند، اقساط سنگین‌تر شده و بازپرداخت ممکن نخواهد بود.

سرحدی بیان کرد: در شرایطی که مستأجر با افزایش ۳۵ تا ۴۰ درصدی هزینه‌ها مواجه است و حقوقش تنها ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش پیدا می‌کند، مجبور است به خانه‌ای کوچک‌تر یا ارزان‌تر نقل مکان کند. همین موضوع باعث مهاجرت از مناطق برخوردار به مناطق کمتر برخوردار یا حاشیه‌ای شده است، مجلس و دولت وعده پرداخت وام می‌دهند، اما دولت حتی در پرداخت‌های روزمره خود هم مشکل دارد، چه برسد به پرداخت تسهیلات مسکن.

کارشناس بازار مسکن در پایان گفت: امسال نیز با رکود تورمی در بازار مسکن مواجه خواهیم بود و اگر تغییری در سیاست‌های اقتصادی ایجاد نشود، شرایط در اواخر بهار و اوایل تابستان بدتر خواهد شد. بازار قفل شده است؛ نه خریدار قدرت خرید دارد و نه فروشنده حاضر به کاهش قیمت است.

بحران بازار مسکن؛ حقوق شهروندی در معرض تهدید اجتماعی

تا زمانی که مسکن کالای سرمایه‌ای تلقی شود و مشوقی برای سوداگری وجود داشته باشد، بازار به تعادل نخواهد رسید. بر همین اساس دولت باید با ابزارهای مالیاتی و حمایتی، جریان سرمایه را به سمت تولید واقعی مسکن هدایت کند.

زیرا سهم هزینه مسکن در سبد خانوار ایرانی از مرز ۵۰ درصد عبور کرده که به‌وضوح نشان‌دهنده فشار بر دهک‌های پایین درآمدی است و اگر سیاست‌گذاری‌ها اصلاح نشود، بخش زیادی از شهروندان به حاشیه رانده خواهند شد.

با ادامه روند فعلی، بحران مسکن نه تنها حل نخواهد شد بلکه به بحرانی اجتماعی با تبعات عمیق‌تری در حوزه امنیت، مهاجرت درون‌شهری و کاهش کیفیت زندگی منجر خواهد شد. کارشناسان خواستار ورود فوری و مؤثر نهادهای سیاست‌گذار، تصویب قوانین حمایتی از مستأجران و شفاف‌سازی بازار برای کنترل سوداگری هستند؛ چرا که مسکن، نه یک کالا، بلکه حق مسلم هر شهروند است.

مدیرعامل بانک رفاه خبر داد:

پرداخت وام ۵۰ میلیون تومانی به اولین گروه بازنشستگان اول خردادماه

گروه اقتصادی – مدیرعامل بانک رفاه گفت: قرار بر این است که هر دو ماه ۴۰ هزار فقره وام ۵۰ میلیون تومانی به بازنشستگان پرداخت شود. بازنشستگان برای دریافت این وام باید در سامانه‌ای ثبت‌نام کنند و از ثبت پرداخت انجام می‌شود و الان بازنشستگان در حال ثبت‌نام هستند.

اسماعیل لله گانی، مدیرعامل بانک رفاه درباره روند پرداخت وام ۵۰ میلیون تومانی بازنشستگان اظهار داشت: قرار بر این است که هر دو ماه ۴۰ هزار فقره وام ۵۰ میلیون تومانی به بازنشستگان پرداخت شود. بازنشستگان برای دریافت این وام باید در سامانه‌ای ثبت نام کنند و از ثبت پرداخت انجام می‌شود و الان بازنشستگان در حال ثبت نام هستند.

وی با اشاره به تاریخ پرداخت وام ادامه داد: اول خرداد ماه اولین گروه از ۴۰ هزار فقره وام را دریافت می‌کنند. پس از اولین واریزی گروه دوم و ۴۰ هزار فقره بعدی دو ماه دیگر وام خود را دریافت می‌کنند.

مدیرعامل بانک رفاه درباره شرایط بانکی برای دریافت این وام گفت: شرایط بانکی برای پرداخت وام ۵۰ میلیون تومانی سخت نیست و متقاضیان دریافت این وام نیازی به ضامن ندارند. بازنشستگان متقاضی وام بدون ضامن و بدون حضور در شعبه می‌توانند این وام را دریافت کنند. بازنشستگانی که حقوق آنها از طریق بانک رفاه پرداخت می‌شود نیازی به اعتبارسنجی هم ندارند.

لله گانی تاکید کرد: مدت زمان انتظار برای دریافت وام بستگی به افرادی دارد که به کانون‌ها مراجعه می‌کنند، همانطور که گفته شد، ما در بانک رفاه هر دو ماه یکبار ۴۰ هزار فقره را پرداخت می‌کنیم اما تعداد بازنشستگان زیاد است و طبیعتاً باید در صف باشند.

وی در پاسخ به این سوال که افرادی در اولویت دریافت وام هستند، گفت: به تشخیص کانون‌های بازنشستگی افراد در اولویت دریافت وام قرار می‌گیرند. این طرح تا پایان سال ادامه دارد و ۲۴۰ هزار بازنشسته می‌توانند وام ۵۰ میلیون تومانی را دریافت کنند و بازنشستگان نگران نباشند در نوبت‌های بعدی می‌توانند وام را دریافت کنند.

صنایع چوب
حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲